

انجیل دیگری نیست درس ۱: تنها یک انجیل درک توماس

سلام! ما می‌خوایم چیزی رو بررسی کنیم که به نظرم یکی از هیجان‌انگیزترین نامه‌های عهدجدیده که پولس رسول نوشته و اسمش، غلاطیانه. این یه نامه‌ی کوتاهه که شش باب داره. ما می‌خوایم در چهارده جلسه بهش بپردازیم.

این پولس جوونه، نه پولس در رسالات شبانی، که بیست سال بزرگ‌تر شده. اینجا او پرحرارت و غیور و گاهاً مضطرب به‌نظر می‌رسه. در کلیسای غلاطیه اتفاقی افتاده که او رو ناراحت کرده و او چشم‌پوشی نمی‌کنه و یه جایی می‌گه بعضی از جادوگران، اون‌ها رو طلسم کردند و از انجیل دور شدند.

ما نمی‌تونیم بدون تفکر درباره‌ی نهضت اصلاحات و مارتین لوتر و تفسیر فوق‌العاده‌اش درباره‌ی غلاطیان که بسیار ارزشمند بود، به غلاطیان فکر کنیم. تا حدودی در مورد سفرش با اعضا صحبت می‌کرد و درکش از عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان و انجیل. به عبارت دیگه، این وسیله‌ای برای هدایت نهضت اصلاحات به سوی مسیر خاصی بود. این ما رو یادِ جان بانیان می‌ندازه که صد سال بعد اومد، فیض فراوان برای رئیس‌گناهکاران، که اینجا یادآوری می‌کنه که تفسیر لوتر درباره‌ی غلاطیان بر او تأثیر گذاشت و نهایتاً منجر به نوشتن کتاب فوق‌العاده‌ی سیاحت مسیحی شد که در کنار کتاب مقدس، مهم‌ترین کتابی هست که مسیحیان می‌تونند بخوندند.

ما زمان زیادی رو به این اختصاص نمی‌دیم که این کتاب چه زمانی نوشته شد؛ به دلایلی، بعداً در این مجموعه‌ی کوچیک، این موضوع شفاف‌تر می‌شه. به نظرم این پیش از شورای اورشلیم نوشته شد. مسائلی که اینجا ایجاد می‌شه، در شورای اورشلیم در اعمال ۱۵ هم ایجاد شد و پولس تونست به‌راحتی تصمیماتی رو که اونجا گرفته شد، بازگو کنه تا بر چیزهایی تأکید کنه که به نظرش غلاطیان باید انجام بدن یا انجام ندن؛ اما این کار رو نمی‌کنه و باعث می‌شه من فکر کنم غلاطیان پیش از اعمال ۱۵ نوشته شده و بنابراین، شاید در حدود اعمال ۱۱، ۱۲، در این دوره‌ها و تقریباً در حدود سال ۵۰ میلادی نوشته شده.

آیه‌ی کلیدی این بخش آغازین و چیزی که ما در درس اول بهش می‌پردازیم، باب ۱، آیات ۱ تا ۹ هست؛ آیه‌ی کلیدی، آیه‌ی ۶ هست. «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر.» این مرکز اصلی غلاطیانه؛ انجیل چیه؛ پولس با شور و اشتیاق می‌خواد از این هسته‌ی مرکزی و ماهیت انجیل دفاع کنه که آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان به مسیحه، بدون اعمال شریعت.

پولس به غلاطیه اومده. شاید این چند سال بعد، دو یا سه سال بعد از اولین دیدارش از غلاطیه‌آس. غلاطیه، ترکیه‌ی امروزی هست. این طوری بهش فکر کنید. مناظره‌ای بین محققان هست که آیا غلاطیه در شمال بود یا جنوب.

این موضوع کمی کسل‌کننده‌آس، اما به نظرم در جنوبه و مکان‌هایی مثل لستره و دریه و این مکان‌ها رو در برمی‌گیره. از زمانی که پولس غلاطیه رو ترک کرد، یه چیزهایی در کلیسا اتفاق افتاد؛ پولس انجیل رو موعظه کرده بود، اما حالا یه اتفاقی افتاده. افرادی وارد شدند. یهودی‌گرایان بر اون‌ها تأثیر گذاشتند. اون‌ها از خلوص انجیل گمراه شدند. پس بیایید مستقیماً به این موضوع بپردازیم و اولین چیزی که می‌خوام اینجا بعد از مقدمه‌ی پولس ببینیم؛ این یه مقدمه‌ی معمولیه که طبق معمول سلام و احوالپرسی می‌کنه؛ بعد در آیه‌ی ۶ می‌گه «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر.»

پس اولین چیزی که می‌خوام بهش نگاه کنیم، تنظیم دقیق انجیل. انجیلی که پولس موعظه کرد، در آیه‌ی یک می‌گه از جانب مسیح قیام کرده، رستاخیز یافته و صعود کرده بهش رسیده. این رسول می‌گه این انجیل رو دریافت کرده. بهش نشون داده شده. براش مکشوف شده و حالا در چهار عبارت کوتاه اینو خلاصه می‌کنه. اول از همه در آیه‌ی ۴ به ما می‌گه، «که خود را... داد.» درباره‌ی مسیح صحبت می‌کنه. «فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح با شما باد؛ که خود را برای گناهان ما داد»، عمل داوطلبانه‌ی ارادی از جانب مسیح.

او خود را داد. این یادآور موضوع اصلیه که می‌خوام بگم، بیانیه‌ی مأموریتی هست که عیسی، خودش در مرقس باب ۱۰ به کار می‌بره. «پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند»؛ و این آیه، ترکیبی از آیات متعدد عهدعتیقه که یکیش برگرفته از چهارمین سرود خادم در اشعیا ۵۳ هست و به نظرم این نوعی بیانیه‌ی اعتراف اولیه از جانب کلیسای اولیه شد.

پیش از عهدجدید، مسیحیان اولیه چطوری می‌دونستند به چی ایمان داشته باشند؟ اون‌ها آموزش اصول مسیحیت رو تنظیم کردند، بیانیه‌های کوتاهی از آموزه، مخصوصاً آموزه درباره‌ی انجیل.

اینجا شخص می‌تونه اینو تصور کنه؛ در آیه‌ی ۴، «که خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این عالم حاضر شریر بحسب اراده‌ی خدا و پدر ما خلاصی بخشد، که او را تا ابدالابد جلال باد»؛ و این ظاهراً می‌تونه به‌نوعی بیانیه‌ی آموزش اصول مسیحی باشه. چرا عیسی به این دنیا اومد؟ اون‌ها چنین چیزی رو تکرار می‌کردند؛ شاید پولس اینجا این مفهوم رو می‌رسونه، چون او این بیانیه رو تنظیم کرده.

پس اولین چیز اینه که عیسی خودش رو داد. بعد، برای گناهان ما؛ و پولس از حرف اضافه‌ی کوچیک «هوپر» در یونانی استفاده می‌کنه که این حرف اضافه برای جایگزینی هست، تقریباً این مرتباً در نگارشات پولس رسول دیده می‌شه تا کفار رو توصیف

کُنْه و اینکه عیسی با تقدیم خودش و مُردن بر روی صلیب، چی کار کرد. او به جای ما مُرد، «خود را برای گناهان ما داد»، کفاره، عمل جایگزینی برای رسیدگی به گناهان ما بود.

پس در مرکز انجیل، یه مشکلی هست و اون مشکل، گناهه. انجیل، اول از همه به مشکل گناه اشاره می‌کُنْه. انجیل این نیست که، «عیسی شما رو خوشحال می‌کُنْه» یا «عیسی شما رو قانع می‌کُنْه». این درسته، اما این انجیل نیست. انجیل به گناه رسیدگی می‌کُنْه. به خطاها رسیدگی می‌کُنْه. به این حقیقت رسیدگی می‌کُنْه که ما شریعت خدا رو زیر پا گذاشتیم، رابطه‌مون رو با پدر آسمانی مون خراب کردیم.

بعد وجه سوم، «تا ما را از این عالم حاضر شریر... خلاصی بخشد.» دو تا دنیا هست. این دنیا و جای‌های آسمانی. درواقع دنیای آینده. این یه دنیای موازیه. دنیایی که بدن عیسی در اونجاست. دنیایی که فرشتگان و رئیس فرشتگان و کلیسای پیروز، اونجاست.

این دنیا درد می‌کُشه، می‌ناله و متحمل درد زایمان می‌شه و منتظر احیای همه‌ی چیزهاست و تحت سلطه‌ی شیطان، رئیس و قدرت هواست. پولس می‌گه، «ما از این عالم حاضر شریر خلاصی می‌یابیم؛ و البته که به یه آسمون جدید و زمین جدید می‌ریم که در اون عدالت هست.» یه وجهی از انجیل درباره‌ی تفکر در مورد چیزهایی هست که فراتر از جایی هست که مسیح نشسته؛ یعنی در دست راست خدا.

او خودش رو داد، خودش رو برای گناهان ما داد تا ما رو از این عالم حاضر شریر رهایی بده و بعد، مورد چهارم، «بحسب اراده‌ی خدا و پدر ما.» منشأ انجیل، صرفاً عیسی نیست؛ منشأ انجیل، خدای پدره. به یوحنا ۳: ۱۶ فکر کنید. «زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد.» انجیل این نیست که عیسی، پدری رو که از ما بیزاره، نسب به ما فیاض می‌کُنْه. آغازگر انجیل، آغازگر نجات، آغازگر عملی که ما رو از چنگ شیطان بیرون میاره و به آغوش عیسی می‌بره که تا ابد از عواقب گناهمون در امنیت باشیم، این ابتکار در قلب پدر آسمانی ماست.

سپس در آیه‌ی ۶، «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر»، و می‌خواستم بر کلمه‌ی «فیض» تأکید کنم، چون انجیل چیه؛ انجیل، پیغام فیضه. این موضوع در غلاطیان خیلی مهمه، چون پولس عمیقاً مشکوکه که بسیاری از اون‌ها از فیض به سوی چیز دیگه‌ای می‌رن؛ به سوی شریعت، شریعت‌گرایی؛ و بعداً به این موضوع برمی‌گردیم. پس انجیل در مورد عیساست. در مورد اینکه عیسی خودش رو برای گناهان ما داد تا ما رو از این عالم حاضر شریر خلاصی بده؛ همه‌ی این‌ها بخشی از اراده‌ی حاکم پدر آسمانی ماست؛ و این پیغام فیضه.

سپس، مورد دوم، آگه این قاعده‌ی انجیل؛ دوماً، مشاهده‌ی پُر شور و حرارت تحریف انجیل رو داریم؛ می‌خوام روی آیات ۶ و ۷ تمرکز کنم. ما بارها درباره‌ی آیه‌ی ۶ صحبت کردیم، اینکه او متعجب شد که اون‌ها به این زودی «از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر».

سپس، پولس باید به‌نوعی خودش رو اصلاح کُنه، چون واقعاً انجیل دیگه‌ای وجود نداره، آگه منظورتون اینه که دو نوع انجیل هست و می‌تونید یکی‌شون رو انتخاب کنید. نه، یکی‌شون انجیل حقیقیه و دیگری، انجیل کاذبه. یکی، انجیلی هست که نجات می‌ده و دیگری، انجیلی که در واقع، شما رو محکوم می‌کُنه و اصلاً انجیل نیست. خبر خوش نیست. شاید اسمش رو انجیل بذارید، اما این انجیل نیست. این انجیل، محکوم می‌کُنه. «که (انجیل) دیگر نیست. لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند».

پولس به مسیحیان می‌نویسه. به کسانی که در غلطیه اعتراف می‌کنند که مسیحی هستند و اونجا به اتفاقی افتاده. کسانی هستند که او گفت «شما را مضطرب می‌سازند.» کسانی که «می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند.» اون‌ها چه کسانی هستند؟ یهودی‌گرایان هستند. متعصبان تورات هستند. پیروان موسی هستند. یادتونه یوحنا در مقدمه‌ی انجیل چی گفت، «شریعت به‌وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به‌وسیله عیسی مسیح رسید.» این به تضاد نسبی هست، اما با اصطلاحات مطلق بیان شده.

منظور یوحنا این نیست که فیض و راستی در موسی نیست؛ و منظورش این نیست که وقتی به عیسی ایمان می‌آریم و از او پیروی می‌کنیم، هیچ شریعتی نیست. بلکه به‌طور نسبی، موسی در مورد شریعت؛ عیسی در مورد فیض و راستی. پولس اینجا می‌خواد بر بخش فیض و راستی انجیل تأکید کُنه؛ و عمیقاً مشکوکه که افرادی در بینشون هستند که اون‌ها رو منحرف می‌کنند.

اون‌ها اعضای نگران بودند، مثلاً نگرانِ غیریهودیانی بودند که ایمان می‌آوردند و به عیسی به‌عنوان مسیحا ایمان می‌آوردند، اما مثل یهودی‌ها ختنه نشده بودند؛ شریعت غذای یهود رو رعایت نمی‌کردند، آیین‌ها رو به‌جا نمی‌آوردند، پَسَح و خیمه‌ها و غیره؛ و این حریم‌های آیینی، نشون‌دهنده‌ی یهودیت و یهودی‌گرایی و مذهب یهودیت بود که این چیزها می‌خواست بر غیریهودیان تحمیل بشه؟ این مسئله به شورای اورشلیم در اعمال باب ۱۵ بُرده شد و چون پولس در این مورد صحبت نکرده، ما فکر می‌کنیم این پیش از شورای اورشلیم نوشته شده.

بعضی می‌گفتند برای اینکه در حضور خدا عادل باشیم، برای اینکه در جایگاه عدالت در نزد خدا بایستیم، ایمان به عیسی کافی نیست. بله، باید به عیسی ایمان داشته باشید، اما باید به عیسی ایمان داشته باشید و... باید به عیسی ایمان داشته باشید، به‌علاوه‌ی اینکه شریعت رو رعایت کنید، ختنه بشید، از شریعت غذا پیروی کنید، از تقویم یهودی اطاعت کنید و غیره

و غیره و غیره. این‌ها برای پولس، افزودنی‌های ملعون بود. فقط عیساست! این «سالوس کریستوس» در نهضت اصلاحات؛ فقط به‌وسیله‌ی ایمان به مسیح و بدون اعمال شریعت.

کسانی که از ضرورت اطاعت از شریعت طرفداری می‌کردند، انجیل متفاوتی رو موعظه می‌کردند؛ انجیلی که انجیل نیست، انجیلی که خبر خوش نیست. این انجیل به‌علاوه‌ی سنته. این برای ما می‌تونه چیز متفاوتی باشه، کمی نامحسوس‌تره. این انجیل به‌علاوه‌ی میزان خاصی از واکنش‌های عاطفی تون نسبت به گناه، کیفیت خاصی از توبه‌آس، انجیل به‌علاوه‌ی نسخه‌ی کینگ جیمز، انجیل به‌علاوه‌ی زنانی که باید در کلیسا کلاه سرشون بذارن، انجیل به‌علاوه‌ی اینکه باید این‌طوری عمل کنید و اون‌طوری عمل نکنید، انجیل به‌علاوه‌ی یه سبک پرستشی که بیشتر مطابق پیش‌داوریه تا اصول؛ و غیره.

این می‌تونه خیلی نامحسوس باشه و وارد بشه؛ این با غیبت کردن‌های کوچیک ما وارد می‌شه. «اون کلیسایی که رفتیم رو می‌شناسی، اون گروه از مسیحیان؟ می‌دونی، اون‌ها این کار یا اون کار رو نکردند.» این‌ها مسائل مربوط به اصل اول نیست. این‌ها مسائل ثانوی هستند. مسائل مربوط به پیش‌داوری. طولی نمی‌کشه که می‌گیم، «احتمالاً شما نمی‌تونید مسیحی بشید، مگر اینکه این کار یا اون کار یا فلان کار رو انجام بدید.» پولس به این موضوع نامحسوس اشاره می‌کنه. این می‌تونه وارد بشه. انجیل به‌علاوه‌ی فلسفه‌ی اعتقاد به خدا از طریق اخلاق‌درمانی؛ چنانکه عده‌ای در این روزها این اصطلاح رو به‌کار می‌برند. الان موضوع، خلوص انجیل نیست، بلکه اعتقاد به سبک‌ها و قوانین خاص، قوانین ساخته‌ی بشر، قوانین سنت خاص مذهبی؛ و تا زمانی که این چیزها به‌درستی رعایت نشه و کاملاً رعایت نشه، نمی‌شه نجات رو تضمین کرد. خُب، بذارید از شما یه سؤال بپرسم. آیا شما برای انجیل شور و اشتیاق دارید یا بیشتر مشتاق چیزهای دیگه هستید، چیزهایی که خیلی برای شما عزیزه؟ من پیش‌داوری‌های زیادی دارم. چیزهای زیادی که این‌طوری راحت‌ترم تا اون‌طوری؛ اما آیا این‌ها موضوعات اساسی انجیله؟ ما باید هر روز از خودمون بپرسیم، «آیا نسبت به خلوص انجیل شور و اشتیاق دارید؟» پولس اینجا برای اطمینان از خلوص انجیل، شور و اشتیاق داشت.

بعد، سومین مورد در این درس، نفرین شخصی کسانی هست که انجیل دیگه‌ای رو گسترش می‌دن. توجه کنید که در آیه‌ی ۸ چی می‌گه، «بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، آناتیما باد»؛ و بعد دوباره اینو در آیه‌ی ۹ تکرار می‌کنه، «آناتیما باد.» آناتیما باد، این کلمه رو به‌کار می‌بره. این درواقع تندترین کلمه‌ی ممکنه. پولس صرفاً دستشون رو نمی‌گیره که بگه، «دست بکشید.» نه، او می‌خواد آناتیما بشن. می‌خواد از قدوسیت خدا منع بشن. می‌خواد تا حد ممکن از فیض و محبت و آغوش خدا دور بشن. این زبان خیلی تندیه. این پولسه، بله؛ یه مرد جوون، بله! غیور، پُر شور و اشتیاقه.

بذارید مکث کنم و بگم، «این شور و اشتیاق کجا رفت؟ وقتی شما جوون بودید، تازه ایمان آورده بودید، در سال‌های اول اینو داشتید و برای انجیل اشتیاق زیادی داشتید.» این آتیش کمی ضعیف شده و ما بی‌اشتیاق شدیم؛ یادتونه عیسی به کلیسای لائودیکیه درباره‌ی ولرم شدن چی می‌گه، اینکه اون‌ها رو از دهانش قی می‌کنه. حُب، این پولسه و به جایی برای محکومیت هست. این پولسی نیست که صرفاً بدخُلق یا حَسَن باشه؛ یا این صرفاً توضیحِ شخصیتِ پولس نیست یا این نیست که «پولس در مرخصی بود. موقعِ نگارش این نامه، قهوه‌اش رو نخورده بود و چیزهای بدی در زندگی‌اش اتفاق می‌افتاد، پس کمی بدعُتق و خشن بود.»

نه، پولس می‌گه، «یه انجیلی هست، یه انجیلی که نجات می‌ده، اما اگه شما چیزی رو به این انجیل اضافه کنید، اگه بگید باید به عیسی ایمان داشته باشید...»، در این صورت، این دیگه انجیل نیست. این یه چیزِ دیگه‌آس. این تحریفه. این درباره‌ی آزادی مطلقِ فیضه. این فیضه، نه چیزِ دیگه. این بر اساس اعمال شما نیست. پولس به افسسیان می‌گه، «نه از اعمال تا هیچ‌کس فخر نکنند.» گرگ‌هایی در کلیسا هستند که به لباس گوسفندان ملبس شدند و پولس به کلیسای غلاطیه، به این کلیسای جوون و نورسته می‌گه، «گرگ‌هایی در میان شما هستند که شاید شما کنارشون نشستید، شاید در کلاس کتاب‌مقدستون هستند، اون‌ها افزودنی‌های ملعون رو تدریس می‌کنند. اون‌ها گرگان و شما باید اون‌ها رو به‌عنوان گرگ بشناسید و بهشون گوش نکنید.» انجیل کاذب رو نباید تحمل کرد. اون‌ها باید از کلیسا محو بشن.

پس چه چیزی رو از این بخش آغازین غلاطیان باب ۱، آیات ۱ تا ۹ می‌تونید با خودتون ببرید؟ نسبت به انجیل شور و اشتیاق داشته باشید. بدونید انجیل چیه. انجیل رو هر روز برای خودتون موعظه کنید. یه مرد عزیز، یه شخص معروفی که الان در جلال خوابیده؛ بیست سال پیش در یه کنفرانس باهاش ملاقات کردم. من به حرف‌هایش گوش می‌دادم. انگار برای اولین بار به انجیل گوش می‌دادم. بیست سال مسیحی بودم. بیست سال خدمت می‌کردم، ولی وقتی به حرف‌های او گوش دادم، فکر کردم «انگار برای اولین بار اینو می‌شنوم.»

او این عبارت کوچیک رو گفتم، «شما بارها اینو شنیدید»، اما در واقع، من برای اولین بار می‌شنیدم. هر روز انجیل رو برای خودتون موعظه کنید. باید صادقانه بگم، وقتی صبح‌ها از خواب بیدار می‌شم، اولین چیزی که بهش فکر می‌کنم، قهوه‌آس؛ اما بعد از اینکه یه فنجان قهوه می‌خورم، انجیل رو برای خودم موعظه می‌کنم. «من چیزی در دستم نیست.» هیچ چیز! نه اطاعتم، نه مدت زمانی که شاگردی کردم، نه میزان توبه‌ام. «چیزی در دستم نیست.» هیچ چیز. «صرفاً به صلیب تو می‌چسبم.» هر روز اینو برای خودتون موعظه کنید.